

یک قدم مانده به ماه

غلامرضا سیماکار

زیر نظر دکتر حمید طبسی

www.ketab.ir

سرشناسه: سیماکار، غلامرضا، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: یک قدم مانده به ماه / غلامرضا سیماکار؛ زیر نظر حمید طبسی.

مشخصات نشر: جیرفت: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۶۲ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۲۳۱-

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry — 14th century

شناسه افزوده: حمید، ۱۳۴۹ -

شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۷۱۰ / ۵۷۱ PIR۸۳۴۰۰

رده بندی دیویی: ۸۱ / ۶۲ فا

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۳۶۷۷

عنوان: یک قدم مانده به ماه

مولف: غلامرضا سیماکار

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت

طرح جلد: حبیبه شریف

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی

شمارگان: ۳۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۱۰ - ۴۲۳۱ -

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
	غزل
۱۷	سار دل
۱۹	بی قرار
۲۱	با شهیدان
۲۲	برای دخترم جنت
۲۳	در فراق حضرت رضا (ع)
۲۶	تقدیم به همسر فاطمه
۲۸	هزار و یک غم
۲۹	یک قدم مانده به ماه
۳۹	غزل خوان
۴۱	سوز نهان
۴۳	داغ مولا (ع)
۴۴	آرزو
۴۶	وقت بهار
۴۸	خون جگر
۵۰	شط غمگین
۵۴	فتنه
۵۶	راز شقایق
۵۹	هجران

۶۱	کلبه‌ی گل‌ها
۶۳	پنهان
۶۵	دیرینه‌ترین تمدن
۶۶	عشق دل
۶۸	دختر ترسا
۷۰	یار دبستانی
۷۲	خند صحن
۷۳	انتهای دل
۷۵	شکایت
۷۶	رقص نگاه
۷۷	بهار خوش خرام
۷۹	یاری
۸۱	کعبه دل

سعدی

۸۵	شب تیره
۸۸	نماز
۹۲	دل عاشق
۹۴	آهو خرام
۹۶	دری بر گلستان
۹۹	شفا
۱۰۲	باغ
۱۰۳	غبار غم
۱۰۵	شب
۱۰۶	جدایی
۱۰۸	مرگ ۱

۱۰۹.....	مرگ ۲.....
۱۱۱.....	رویا.....
۱۱۲.....	سکوت.....
۱۱۳.....	همت.....
۱۱۵.....	کمان عشق.....
۱۱۶.....	پدر مرغ.....
۱۱۷.....	دستین.....
۱۱۸.....	یک رنگ.....
۱۲۰.....	احساس.....
۱۲۲.....	هدیه.....
۱۲۳.....	خواب شعر.....
۱۲۴.....	فصل سرد.....
۱۲۶.....	غواص.....
۱۲۷.....	کوچه.....
۱۲۸.....	غروب جوانی.....

طنز

۱۳۳.....	کارمند بینوا.....
۱۳۵.....	کار را ول نکنید.....
۱۳۷.....	غم مخور.....
۱۳۹.....	حکایت نامه‌ی من و اداره.....
۱۵۰.....	یار رئیس.....
۱۵۴.....	آب را ول نکنیم.....
۱۵۶.....	اهل جیرفت.....
۱۶۰.....	دعوت عصرانه.....
۱۶۲.....	ترس.....

مقدمه

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

سال‌ها پیش از این، معلم ادبیاتمان می‌گفت: ما ملّتی هستیم که به جای اکسیژن، شعر تنّاس می‌کنیم و کودکانمان هنگامی که متولد می‌شوند در شیرشان چربی شعر هست!

درست یادم نیست که از چه زمانی این شعرگونه‌های خودم را روی کاغذ آوردم اما خوب می‌دانم که درونم هر چه وقت از نجوای شاعرانه رقیق انسانی خالی نبوده است. من همیشه به عقده بودهام که شعر تأثیر غیر قابل انکاری در کنار زدن حجاب‌های وجود میان انسان و خداوند داشته و دارد؛ نگاهم به شعر همواره از این منظر بوده و هست. وقتی غزلی از حافظ می‌خوانم یا ابیاتی از مثنوی، خود را خواه ناخواه مشغول دعا و نیایش می‌بینم. از آن گونه دعاهایی که فراهم آمدنش مهتاب شبی خواهد و آسوده دمی.

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست

هرجا که هست پرتو روی حبیب هست

با توجه به این نگرش است که محتوای اغلب سروده‌هایم را البته اگر بتوان نام مقدس شعر بر آن‌ها گذارد، باورها و معتقدات دینی و ایمانی‌ام شکل می‌دهند؛ از عرض ارادت به سلطان خراسان گرفته تا سفرنامه‌ی کربلا به ابراز عشق به شاه نجف.

علاوه بر این نشان‌های سروده‌هایی که نشان دهنده‌ی علاقه و مهرورزی‌ام به خانواده‌ی می‌بان و صبورم است، و نیز اشعاری با چاشنی طنز اجتماعی در این مجموعه دیده می‌شود که در قالب‌های شعری متفاوتی از غزل و مثنوی گرفته تا شعر نیمایی سروده شده‌اند.

اعتراف می‌کنم که چون با رسوم ادبی مهر و خندان آشنا نبوده و نیستم، یقیناً کاستی‌هایی در اسلوب و الفاظ اشعارم هست که امیدوارم خوانندگان ارجمند به دیده اغماض در آنان بنگرند. در انجام دادن این کار ناچیز هیچ ادعایی و منتی ندارم و با فروغی تمام خواسته‌ام حداقل تنی چند از شعر دوستان را شریک واگویی‌ها و نجواهای عالم تنهایی خود گردانم. نزار قبّانی شاعر پرآوازه اهل سوریه - در کتاب «داستان من و شعر» می‌نویسد: «ضرورت دارد

که شعر مانند هوا و آب و آواز گنجشکان - که هیچ کس نباید از آن محروم گردد در اختیار همه‌ی مردم باشد». این سخن، جرأت‌م داد که دل سروده‌های خود را به زیور چاپ بیارایم و برگ سبزی به گلزار ادبیات فارسی هدیه کنم که گفته‌اند: «غرض نقشی است کز ما باز ماند».

در پایان، وظیفه‌ی خود می‌دانم که سپاس‌گزار تمامی کسانی باشم که همواره مشور و برده بودند و در به سرانجام رسیدن این مجموعه نقش داشته‌اند؛ خانوادگی، دوستان، همکاران محترم دانشگاهی‌ام به ویژه جناب آقای دکتر طبسی و تمامی کسانی که از لطفشان بی‌نصیب نبوده‌ام.

این یک دو دم که مهلت دیدار ممکن است

در یاب حال ما که به پیداست کار عمر

حافظ سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان

این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

غلام رضا سیما کار

جیرفت - زمستان ۱۳۹۴